

مشروطه ایران و عثمانی و روشنفکران کرد

سهراب یزدانی‌مقدم^۱

سید عدنان برزنجی^۲

محمد شادروی‌منش^۳

چکیده

جنبش مشروطه کمابیش هم‌زمان در کشور ایران و عثمانی رخ داد. در کنار روشنفکران و ادیبان این دو کشور، روشنفکران و ادیبان کرد، مانند احمد شوقی، جمیل صدقی زهاوی، حاجی قادر کوی، شیخ رضا طالبانی در مشروطه عثمانی و میرزاده عشقی، ابوالقاسم لاهوتی، آیت‌الله مردوخ کردستانی و قاضی کوثر سقزی در مشروطه ایرانی فعالیت‌های چشمگیری در جهت شکل‌گیری جنبش مشروطه و ترویج اندیشه‌های مشروطه‌خواهی داشته‌اند. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آرای تعدادی از روشنفکران و ادیبان کرد در دوران مشروطه عثمانی و ایرانی می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که نقش روشنفکران و ادیبان کرد در مشروطه ایران و عثمانی چه و چگونه بوده است و آنان چگونه توانسته‌اند اندیشه‌های مشروطه‌خواهی را در کردستان گسترش دهند. از آنجاکه شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کردستان ایران و عثمانی یکسان نبود، بیشتر روشنفکران کرد این دو کشور نیز هدف‌های یکسانی را دنبال نمی‌کردند و محتوای اندیشه‌های آن‌ها لزوماً در مسیری یکسان تحول نمی‌یافت. بیشتر روشنفکران و ادیبان کرد در کردستان عثمانی، کشور عثمانی را وطن خود نمی‌دانستند و به دنبال ترویج اندیشه‌های ناسیونالیستی قومی و استقلال و جدا شدن از دولت عثمانی بودند، اما برخلاف آنان روشنفکران و ادیبان کرد ایرانی، ایران را وطن خود می‌دانستند و به ایرانی آزاد و برخوردار از حکومت قانون بر مردم می‌اندیشیدند.

کلیدواژه‌ها: مشروطیت ایران، مشروطیت عثمانی، کردستان، ادیبان کرد، روشنفکران کرد.

Sohrab_yazdani_78@yahoo.com

ednanberzinci@yahoo.com

shadrooy@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه خوارزمی تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

۳. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

The Constitution of Iran and the Ottomans and the Kurdish Intellectuals

Sohrab Yazdani Moghaddam¹

Seyed Ednan Barzanji²

Mohammad Shadrooymanesh³

Abstract

The constitutional movement took place more or less simultaneously in Iran and the Ottoman Empire. Along with the intellectuals and writers of these two countries, Kurdish intellectuals and writers, such as Ahmad Shawqi, Jamil Sedghi Zahawi, Haji Qader Kooi, Sheikh Reza Talabani in the Ottoman Constitution and Mirzadeh Eshghi, Abolghasem Lahouti, Ayatollah Mardukh Kurdistani and Qazi Kowsar Sazezi in the Iranian Constitution carried out significant activities in order to form the constitutional movement and to promote the constitutionalist ideas. The present article uses a descriptive-analytical method to examine the views of a number of Kurdish intellectuals and writers during the Ottoman and Iranian constitutions and answers the question of what was the role of Kurdish intellectuals and writers in the Iranian and Ottoman constitutions and how they were able to spread the constitutionalism thoughts in Kurdistan. Since the social, political, and cultural conditions in Iranian and Ottoman Kurdistan were not the same, most Kurdish intellectuals in the two countries did not pursue the same goals, and the content of their ideas did not necessarily change in the same direction. Most Kurdish intellectuals and writers in the Ottoman Kurdistan did not consider the Ottoman country as their homeland and sought to promote the ethnic nationalist ideas and independence and secession from the Ottoman government. Unlike them, Iranian Kurdish intellectuals and writers considered Iran as their homeland. They sought for a free Iran in which the law could govern the people.

Keywords: Iranian constitutionalism, Ottoman constitutionalism, Kurdistan, Kurdish writers, Kurdish intellectuals.

1. Associate Professor Kharazmi University of Tehran, Iran (Corresponding Author)

Sohrab_yazdani_78@yahoo.com

2. PhD student in post-Islamic Iranian history, Kharazmi University, Tehran, Iran

ednanberzinci@yahoo.com

3. Assistant Professor Kharazmi University of Tehran, Iran

shadrooy@yahoo.com

مقدمه

از اواخر دوره صفوی، گروه‌هایی از اندیشمندان خاورزمین، به‌ویژه از طریق هند، تا حدی با شیوه‌های تفکر و نظم اجتماعی اروپایی و روش زندگی مردم غرب آشنا شده بودند. در سده‌های بعد، پس از ظهور جریان‌های روشنفکری در کشور ایران و عثمانی، کوشش‌های سازمان‌یافته‌ای برای استقرار مدرنیته در این دو کشور همسایه و مسلمان شکل می‌گیرد. مهم‌ترین دستاورد این کوشش‌ها برپایی انقلاب مشروطه و همه‌گیر شدن خواست حکومت قانون در برابر نظام استبدادی پادشاهی است. انقلاب مشروطه به یکی از مهم‌ترین رخدادها در سال‌های آغازین سده بیستم در ایران و عثمانی تبدیل گردید. این انقلاب، دگرگونی‌های بسیاری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و ادبی پدید آورد. هم‌زمان با شروع مشروطه، ادیبان کرد که بیشترین نقش را در میان روشنفکران کردستان ایفا می‌کردند، با سرودن اشعار و نوشتن آثار، نهایت تلاش خود را در جهت نیل به اهداف روشنفکرانه خود به کار بستند و با طرح مفاهیمی چون حکومت قانون، آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی، در جهت محدود کردن نظام‌های استبدادی در دولت عثمانی و ایران پا به پای دیگر روشنفکران این دو کشور گام برداشتند و با شعار رفع عقب‌ماندگی جامعه حرکت کردند و همچنین بیشتر آن‌ها نهایت تلاش خود را به کار بستند تا مردم کردستان را نیز با اندیشه‌های مشروطیت و مفاهیم تازه‌ای چون ناسیونالیسم و ملی‌گرایی (و در کردستان عثمانی با جنبه‌های قومی ناسیونالیسم و استقلال‌طلبی) و حقوق زنان و اموری از این دست آشنا سازند.

پرسش اصلی این پژوهش این است که جایگاه روشنفکران و ادیبان کرد در مشروطه عثمانی و ایرانی کجا و میزان تأثیر آنان تا چه حد است؟ و بر این اساس، هدف مقاله، بازشناسی اندیشه‌های روشنفکران و ادیبان مشروطه‌خواه کرد است. همچنین بر آن است تا تأثیر متقابل جنبش مشروطیت را بر اندیشه‌های ادیبان و روشنفکران کرد، مورد واکاوی قرار دهد.

به نظر می‌رسد در پژوهش‌های دانشگاهی و علمی، موضوع نقش روشنفکران و ادیبان کرد، تا کنون به استقلال، بررسی نشده است و در محدود پژوهش‌هایی هم که صورت گرفته است، اغلب اصل موضوع مشروطه در کردستان مطرح نظر بوده است. از جمله این

پژوهش‌ها کتاب *گزیده اسنادی از وقایع مشروطیت در کردستان و کرمانشاه* نوشته رضا آذری شهررضایی است که در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. نویسنده اسناد مربوط به مشروطه در کردستان و کرمانشاه را جمع‌آوری و در کتاب مذکور آن‌ها را به چاپ رسانیده است. وی در این کتاب عمدتاً به جمع‌آوری اسناد بسنده کرده است و کار تحقیقی و پژوهشی روی آن‌ها انجام نداده است.

علی ططری نیز در مقاله‌ای با عنوان «اسناد مشروطیت کردستان و کرمانشاهان» (کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، ۱۳۸۶) به توضیح اسناد موجود در مورد مشروطه در کردستان و کرمانشاه پرداخته است و مطلبی هم‌سو با پژوهش حاضر در آن وجود ندارد.

محمد کلهر نیز در مقاله‌ای با عنوان «مشروطه و بحران سیاسی کردستان» (نشریه *زمانه*، ۱۳۸۵: ۴۷-۶۸) به موضوع مشروطه در کردستان پرداخته است و اطلاعات مفیدی را درباره آن در اختیار خواننده قرار می‌دهد، اما هیچ اشاره‌ای به نقش روشنفکران و ادیبان کرد، در جریان انقلاب مشروطه ندارد.

اسماعیل محمودی در کتابی «*روشنی‌رانی کورد مکتبی استانبول*» (روشنفکران کرد مکتب استانبول) اندیشه‌های روشنفکرانه حاجی قادر کویی را بررسی کرده است. اگر چه این کتاب دقیقاً به موضوع پژوهش ما مرتبط است، اما نویسنده تنها و به صورت خاص و موردی اندیشه‌های حاجی قادر کویی را به عنوان یک فرد روشنفکر بررسی کرده است و دیگر روشنفکران کرد از موضوع پژوهش وی بیرون بوده است.

روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش کتابخانه‌ای است. روش تحلیل داده‌ها نیز در این پژوهش توصیفی تحلیلی است.

روشنفکران و ادیبان کرد و انقلاب مشروطیت عثمانی

امپراتوری عثمانی از قرن هجدهم میلادی به بعد، به دلیل پهناوری سرزمین‌های تحت سلطه خود و جنگ و درگیری با دولت‌های اروپایی به مرور تسلط بر سرزمین‌های خود را از دست داد و به همین دلیل برای بهبود اوضاع دست به اصلاحاتی در قلمرو خود زد. دولت‌مردان عثمانی در جهت حفظ حکومت خود، به صورت جدی اصلاحات را در دستور کار

خود قرار دادند. اعزام دانشجو به اروپا (۱۸۲۷)، تأسیس دانشکده پزشکی در استانبول (۱۸۲۷)، انتشار اولین روزنامه دولتی به نام *تقویم وقایع* (۱۸۳۱) و تأسیس خانه ترجمه از جمله اقداماتی بود که در راه اصلاحات انجام شد (لوئیس، ۱۳۷۲: ۱۳۱). حرکت‌های اصلاح‌طلبانه در دولت عثمانی ادامه یافت و فراز و فرودهای فراوانی به خود دید تا بالاخره در سال ۱۸۸۹ انجمن «اتحاد عثمانی یا ترک‌های جوان» توسط چهار روشنفکر که دو نفر آن‌ها کُرد (اسحاق جودت و اسکوت کُرد) و یکی آلبانیایی (ابراهیم تمو) و دیگری چرکس (محمد رشید) بودند، با هدف نجات ملی و حکومت قانون، رسماً فعالیت خود را شروع کرد و اولین کنگره خود را در پاریس برگزار کرد (انتخابی، ۱۳۹۲: ۶۷).

این اصلاحات و قوانین هرچند دردی از دولت عثمانی دوا نکرد، اما برای ملت‌های تابع آن سودمند بود و به آنان مجالی برای تلاش در راه آزادی داد و سبب شد تا مفاهیمی چون آزادی، قانون، حرمت و شخصیت انسانی در میان آن‌ها رواج یابد و آگاهان و بیدارلان را به کوشش و پیکار برانگیخت (حضرتی، ۱۳۸۸: ۷۷).

پس از شروع فعالیت روشنفکران ترک در شهر استانبول، اقلیت‌های دیگری مثل عرب، ارمنی و حتی ملت‌های جنوب شرقی اروپا به تکاپو افتادند. کُردهای ساکن شهر استانبول نیز آن‌ها را همراهی کردند و فعالیت‌های ترقی‌خواهانه خود را از راه انتشار نشریاتی چون *روزنامه کُردستان* (۱۲۸۶ ه.ش)، *روزی کورد* = *روز کُرد* (۱۲۹۰ ه.ش)، *هه‌تاوی کورد* = *خورشید کُرد* (۱۲۹۱ ه.ش) آغاز کردند و با به راه انداختن اولین انجمن کُردی به نام «جمعیت تعاون و ترقی» (۱۲۸۶ ه.ش)، اولین انجمن دانشجویان کُرد به نام «جمعیت امید دانشجویان کُرد» (۱۲۹۰ ه.ش) و اولین انجمن توسعه کُردستان با عنوان «تعالی کُردستان» (۱۲۹۵ ه.ش) در شهر استانبول به فعالیت‌های روشنفکرانه خود ادامه دادند (آلاکوم، ۲۰۰۵: ۲۸).

روشنفکران کُرد این دوره خود دو دسته هستند: کسانی چون احمد شوقی و جمیل صدقی زهاوی که مخاطبان آن‌ها در گستره جغرافیایی دولت عثمانی قرار داشتند، و اندیشه‌های ترقی‌خواهانه خود را در قالب زبان و ادبیات عرب بیان می‌کردند و جامعه را به سوی ترقی رهنمون می‌شدند (محمدرضایی، ۱۳۹۱: ۱۲).

احمد شوقی (۱۲۴۷-۱۳۱۱ ه.ش)، که پدر و نیاکانش کُرد بودند، در قاهره به دنیا آمد و در همین شهر بزرگ شد (فاخوری، ۱۳۹۲: ۲۷۳). او از مهم‌ترین پیشگامان ادبیات نوین مصر است. وی آثار سیاسی و اجتماعی بسیاری را در جهت بیداری جامعه نوشت (پیرمردیان، ۱۳۹۲: ۷۶). شوقی در برابر سیاستمداران بی‌مایه و بیگانگان موضع‌گیری و دولت انگلیس را به گرگ درنده‌ای تشبیه می‌کند. نابرابری اجتماعی و تضاد طبقاتی در آثار شوقی نمود عینی دارد. او فقر را باعث از میان رفتن اعتماد به نفس و عزت مردم می‌داند. شوقی در قصیده‌ای به نام «الدستور العثماني»، برقراری نظام مشروطه و مبتنی بر قانون و مجلس شورا را از طرف خلیفه سلطان عبدالحمید ثانی به مردم بشارت می‌دهد و آن را مورد تأیید کتاب خدا می‌داند (شوقی، ۱۹۲۵: ج ۱، ۲۴۳). تأکید شوقی بر موضوع حاکمیت قانون نشان‌دهنده اطلاع و روشن‌بینی اوست و اعتقاد دارد که حاکمان و وزراء، سرزمین خود را با قانون اساسی آباد می‌کنند.

شوقی در مقام شاعر و ادیبی روشنفکر، خواهان حکومت مشروطه، نظام پارلمانی و مبتنی بر قانون و عدالت، با حاکمانی لایق، کاردان و عالم است. وی مردم را به پاس‌داشت و حفاظت از وطن، فرامی‌خواند. او در آثارش پیام‌های اخلاقی آشکار و نهان فراوانی را به منزله کالایی فکری و متناسب با نیاز جامعه به خوانندگان خود ارسال می‌کند. آزادی زنان، حفظ وحدت داخلی، ترک اختلاف‌های دینی و مذهبی و جلوگیری از جنگ‌افروزی از مضامین دیگری است که به آن پرداخته است (امین مقدسی، ۱۳۹۳: ۳۲).

جمیل صدقی زهاوی (۱۲۴۲-۱۳۱۵ ه.ش) یکی دیگر از ادیبان و روشنفکران کرد بود که در بجهوه مشروطه‌خواهی عثمانی می‌زیست و شاهد پیروزی این جنبش بود و فریادهای شوق از اعلان مشروطیت را به گوش خود شنیده بود و فضای ناامیدی حاکم بر جامعه را پس از آن که مشروطه به بیراهه رفت و جمعیت اتفاق و ترقی زمام حکومت را در دست گرفت و سپس امپراتوری عثمانی تجزیه شد، با جسم و جان خود درک کرده بود (گنجیان خناری، ۱۳۹۵: ۱۶۳-۱۸۸). اصلی‌ترین مبانی افکار زهاوی در حوزه فلسفه، سیاست و اجتماع می‌گنجد. طه حسین می‌گوید: زهاوی تنها یک شاعر عراقی، مصری یا غیر آن نبود. او شاعر عقل و خردورزی و ابوالعلائی عصر ما بود. اما آن ابوالعلائی که با فرهنگ اروپا آشنا و مسلح به سلاح علم بود (زیات، ۱۹۵۱: ۳۶۷).

زهاوی پرچمدار علم‌آموزی بود و در مورد آزادی زن و رهایی وی از قید و بندها شجاعانه قلم می‌زد (ناظری، ۱۳۹۰: ۱۱۰). به علاوه، او شاعری استعمارستیز بود (بصیری، ۱۳۹۰: ۱۵) و در ادبیات آن زمان، مقوله میهن‌دوستی را برجسته ساخت (گنجیان خناری، ۱۳۹۵: ۱۷۴). در آن زمان که کسی جرأت اعتراض به ظلم و ستم حکام را نداشت، زهاوی، فساد اداری و ظلم والیان را محکوم می‌کرد (مسبوق و دیگران، ۱۳۳۳: ۱۳۶). دوران سلطنت پادشاهان عثمانی آمیخته با ظلم و استبداد بود؛ زهاوی، شخص سلطان را عامل این نابسامانی اوضاع مملکت می‌داند و با اعتراض به وضع حکومت و انتقاد از غفلت سلطان، خطاب به او می‌گوید: «هوشیار شو! تا کی در غفلت و بی‌خبری به سر می‌بری؟ آیا وضع کنونی آنچه را از آن بی‌خبر بوده‌ای به تو نیاموخته است؟ (زهاوی، ۱۹۷۹: ۱۳۴). فاصله طبقاتی موجود در کردستان و عراق و تصویر فقر و بدبختی توده مردم از سویی و رفاه و عیش گروه‌های دیگر از دیگر سو، هر انسان آزاده‌ای را به اعتراض و مقابله فرامی‌خواند. زهاوی این تبعیض و فاصله طبقاتی را در آثار خود ترسیم می‌کند (محسنی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲).

شوقی و زهاوی دو اندیشمند بلندآوازه خاورزمین بودند که با اندیشه‌های خود، مردم کردستان و مصر و عراق و عثمانی را به وادی جدیدی رهنمون شدند. آن‌ها توانستند پایه‌های مشروطه‌خواهی را محکم‌تر کنند و تلاش کردند تا آزادی، برابری، دفاع از حقوق مردم و زنان، وطن‌دوستی و استعمارستیزی را در میان مردم نهادینه کنند و این از شاخصه‌های بارز حیات فرهنگی این دو اندیشمند است. آن‌ها بر مردم و به ویژه ادیبان و روشنفکران کرد تأثیر شگرفی نهادند.

دسته دوم اندیشمندانی را شامل می‌شد که کرد بودند و اندیشه‌های خود را در قالب زبان کردی و کبان کردستانی بیان می‌کردند و قوم‌گرایی کردی و استقلال کردستان از بارزترین مشخصه‌های فکری آنان بود. شیخ رضا طالبانی، حاجی قادر کوبی، امین زکی‌بگ و پیرمرد چند تن دیگر، از نامورترین اندیشمندان و ادیبان کرد در این دوره هستند. اینان به استانبول سفر کردند و تحت تأثیر مشروطه اول عثمانی (۱۲۵۵-۱۲۵۷) قرار گرفتند. دستاوردهای مشروطه را در آثار خود انعکاس دادند و روشنفکرانی چون، رفیق حلمی، حمدی، بیخود، احمد مختار بگ جاف نیز به صف آنان پیوستند. آنان با بهره‌گیری از زبانی عامیانه، مخاطبان

خود را تشویق می‌کردند که علوم جدید را بیاموزند. همچنین آن‌ها را فرا می‌خواندند که به روزنامه‌نویسی روی آورند. مباحثی مانند مخاطرات استعمار و لزوم حفظ استقلال در آثار آنان برجسته می‌شد. ولی بیش از این‌ها، به زبان‌گردی توجه می‌شد و تأکید بر قومیت و انتقاد از مردم‌گرد و تلاش در جهت تشویق و ترغیب مردم به پیشرفت و اندیشه درست کردن دولت-ملت، بسیار ملموس بود (محمودی، ۲۰۲۰: ۶۳).

حاجی قادر کویبی (۱۱۹۶-۱۲۷۶) ادیب و اندیشمند‌گرد با دیدگاهی انتقادی، اجتماعی و آزادی‌خواهانه از جمله روشنفکرانی بود که به زبان و هویت‌گردی توجه ویژه‌ای نشان می‌داد. اصلاحات عثمانی، مدرنیته و ناسیونالیسم، اندیشه وی را متحول کرد. او به انتقاد از عقاید سنتی جامعه‌گردستان پرداخت و کردها را به تشکیل دولت مستقل تشویق کرد (ولی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). از آن پس بر دامنه انتقادات خود افزود. وی را می‌توان نمونه بارز تفکر نوین در میان روشنفکران‌گرد دوران مشروطه عثمانی دانست که با زبانی ساده به مضامینی نو پرداخت (محمودی، ۲۰۲۰: ۷۹).

در یکی از سروده‌هایش می‌گوید:

کاکه ئیمه موئمنین نه رووسین ب‌وچی کفره زمانمان بنووسین
(کویبی، ۱۳۹۰: ۲۰۰)

یعنی: ای برادر! ما مسلمانیم نه روسی؛ مگر کفر است اگر با زبان خودمان بنویسیم؟
او همچنین از ظلم و تجاوز استعمار سخن به میان می‌آورد و آن را زنگ خطری تازه برای ملت خود می‌داند:

خاکی جزیره و بو‌تان، یه‌عنی ول‌اتی کوردان

سه‌د حه‌یف و سه‌د مخابن ده‌یکهن به‌ئهرمه‌نستان

(همان، ۱۳۹۰: ۸۰)

یعنی: سرزمین‌گردها و خاک جزیره و بوتان را با کمال تأسف به بخشی از ارمنستان
مبدل ساخته‌اند.

مفهوم جدیدی که ادیبان کُردستان عثمانی مطرح کردند، موضوع استقلال بود. آن‌ها استقلال ملت‌های دیگر را نمونه و مثال خود قرار می‌دادند؛ چنان‌که حاجی از استقلال سرزمین‌هایی مانند سودان، بلغارستان، صربستان، یونان و... سخن گفت. برای نمونه:

هەر دوێنێ ته‌هلی سوودان، هه‌ستانه پێ وه‌کوو شێر

ئستێ که موسته‌قیلن مه‌حسودی کولی ته‌دیان

بولغارو سرب و یوونان هه‌م ته‌رمه‌ن و قه‌ره‌تاخ

هه‌ر پینجیان به‌ ته‌عداد نابن به‌ قه‌ددی بابان

(همان، ۱۳۹۰: ۹۱)

یعنی: همان دیروز بود که مردم سودان به پا خاستند مثل شیر و امروز مستقل شده‌اند. همچنین بلغارستان، یونان، ارمنستان و قره‌تاخ و صربستان که جمعاً به اندازه منطقه بابان [کُردستان] نیستند برای خود استقلال یافتند.

شیخ رضا طالبانی (۱۲۱۰-۱۲۸۹) نیز از جمله پیشگامان روشنفکری کُردی به شمار می‌آید. طالبانی پس از آن که به استانبول عزیمت کرد، به صف مشروطه‌خواهان پیوست. وی را به عنوان یکی از شاعران مشروطه‌خواه عثمانی می‌شناسند (خال، ۲۰۰۳: ۳۵). شیخ رضا از مخالفان سرسخت جامعه فتودالی بود. او که خود طعم ستم عموهایش را — که از ثروتمندان کرکوک بودند — چشیده بود، با پیوستن به جنبش مشروطه‌خواهی و جبهه‌گیری در مقابل مالکان، کوشید به جبران حق‌کشی‌های خانوادگی‌اش بپردازد (سلطانی، ۱۳۷۲: ۳۲). وی اندیشمندی متفاوت بود و نقدهای اجتماعی و سیاسی خود را با زبانی بسیار تند و نیش‌دار بیان می‌کرد، با این استدلال که سیاستمداران و خان‌ها را با زبان خوش نمی‌توان به مسیر عدالت و انصاف آورد.

امین زکی‌بگ (۱۳۲۸-۱۲۵۸ ه.ش) و پیرمرد (۱۳۳۰-۱۲۵۴ ه.ش) در دانشگاه استانبول در رشته حقوق تحصیل کردند و در دوران مشروطه عثمانی به مناصب عالی دست یافتند. امین زکی‌بگ چند وزارت (از جمله وزارت فرهنگ) را تجربه کرد و با نوشتن کتاب زبده

تاریخ کرد و کردستان، اندیشه ایرانی بودن کردهای عثمانی و هم‌ریشه بودن زبان کردی و فارسی را پیش کشید. وی در کتاب زبده تاریخ کرد و کردستان نوشته است: «ظاهراً وایه سه‌ببی جیگر بوونی موشابه‌هت له به‌ینی به‌عضی که‌لیمات و ته‌لفاظی کوردی و فارسیدا، وه دووه‌میش ئیستعمال کردنی به‌عضی که‌لیماتی فارسی له کوردیدا، ده‌گهریته‌وه سرخرمایه‌تی ئەم دوو زمانه. ته‌له‌فوظی ئەسامی، شکلی ته‌صریفی و نه‌حوی ده‌لیلی ئەوه‌یه که زمانی کوردی و فارسی له ئەسلیکی مه‌علوومن» (زکی‌بگ، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

ترجمه: واقعیت این است وجود شباهت در میان بعضی از کلمات و الفاظ کردی و فارسی و دوّم به‌کار بردن برخی کلمات فارسی در زبان کردی به‌خویشاوندی این دو زبان دلالت دارد. تلفظ اسامی و ساخت صرفی و نحوی آن‌ها، نشان از آن دارد که زبان کردی و فارسی از یک ریشه هستند.

پیره‌مرد نیز با انتشار روزنامه‌های ژریان و ژین، صدای اندیشه‌های نوین را به گوش مخاطبان خود می‌رساند.

اینان، بحث وطن (کردستان) را پیش کشیدند و به مسائلی مانند مکر و دسیسه بیگانگان توجه کردند و ندای استعمارستیزی سر دادند. روشنفکرانی چون مصطفی شوقی (۱۳۱۱-۱۲۴۴)، عبدالله زیور (۱۲۵۴-۱۳۲۷) و حمّدی (۱۲۵۶-۱۳۲۰) حول محور قوم‌گرایی، وطن‌خواهی و آزادی، داد سخن دادند و به دفاع از مشروطه پرداختند. آن‌ها کوشیدند خواسته‌های مردم خود را بیان کنند. همین‌طور از جنبش‌های جدیدی که در کردستان رخ می‌داد، پشتیبانی کردند. به علاوه، آنان زبان را نیز دگرگون کردند و به ساده‌گویی روی آوردند، با این هدف که بتوانند بر ذهن عامه مردم تأثیر بگذارند.

روشنفکران و ادیبان کرد و انقلاب مشروطیت ایران

انقلاب مشروطیت ایران، در بخش‌های مختلف کشور آثار و نتایج گوناگونی به بار آورد. بخش عظیمی از کردستان (به جز کرمانشاه) از برخی دستاوردهای اولیه مشروطه نظیر انجمن‌های ایالتی و ولایتی بی‌نصیب ماند. اکثر روشنفکران کرد با جریان مشروطه همراهی کردند و بعضاً از سرشناس‌ترین مشروطه‌خواهان ایرانی نیز به شمار می‌آیند. نکته قابل تأمل

این است که ادیبان و روشنفکران مشروطه خواه کرد ایرانی تفاوت عمده‌ای با روشنفکران کرد عثمانی داشتند. این دسته، میهن خود را ایران می‌دانستند و بیشتر آثار خود را به زبان فارسی می‌نوشتند. از این میان می‌توان به میرزاده عشقی (۱۲۷۳-۱۳۰۳)، ابوالقاسم لاهوتی (۱۲۶۶-۱۳۳۶)، قاضی کوثر (۱۲۶۳-۱۳۲۸)، آیت‌الله مردوخ کردستانی (۱۲۵۶-۱۳۵۴)، سیف‌الْقُضات (۱۲۵۵-۱۳۲۳)، قانع (۱۲۷۷-۱۳۴۰)، ملامارف کوه‌یی (۱۲۵۳-۱۳۲۴)، ملاحمدون (۱۲۳۲-۱۲۹۹)، علی بگ سالار سعید (۱۲۵۰-۱۳۲۰)، احمد فَوْضی (۱۲۴۹-۱۳۲۲) و دکتر سعید کردستانی (۱۲۴۴-۱۳۲۱) اشاره کرد.

تأکید بر آزادی و آزادی، وطن‌دوستی، ملی‌گرایی ایرانی و اتحاد و انسجام بین اقوام مختلف ایرانی از مهم‌ترین شاخصه‌های فکری این روشنفکران بود.

نام‌دارترین ادیب و روشنفکر این دوره، میرزاده عشقی بود. میرزاده عشقی (کردستانی) پدرش اهل شهر سنندج و مالک منطقه قاسم‌خان قُروه و اطراف آن بود. بیشتر اوقات عمر خود را در زمین و ملک خود می‌گذراند، در عین حال با شهر همدان ارتباط مداوم داشت و میرزاده در همدان متولد شد (روحانی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۲۱). عشقی در جنگ جهانی اول - مانند بسیاری از ملیون ایرانی - به هواخواهی از متحدین (عثمانی و آلمان) پرداخت. او در حرکت مهاجرت شرکت کرد و سرانجام به همراه چند هزار مهاجر ایرانی از طریق کردستان به استانبول رفت. عشقی به همراه آلمانی‌ها به کردستان بازگشت و مدتی را در سنندج و بیجار سپری کرد. سپس به تهران رفت. در گرماگرم قدرت‌گیری رضاخان با او به مخالفت برخاست و سپس به دست عاملان او ترور شد (همان: ۵۲۲). عشقی از مهم‌ترین چهره‌های ادبیات مشروطه ایران محسوب می‌شود. از این گذشته، او یکی از روزنامه‌نگاران نام‌دار عصر خود بود که در سال ۱۲۹۴ شمسی و با تشویق آیت‌الله مردوخ کردستانی در همدان *روزنامه عشقی* را منتشر کرد (مردوخ، ۱۳۵۷: ۴۶۵). اما شهرت وی در روزنامه‌نگاری مدیون روزنامه *قرن بیستم* است که بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ ه‍.ش در تهران منتشر می‌کرد. همانند چند تن دیگر از شاعران و روزنامه‌نگاران آن دوران، عشقی نه تنها با اشعار و نوشته‌های انتقادی خود در خدمت جنبش مردم درآمد، بلکه در مبارزه با خودکامگی و برای کسب آزادی و پیشرفت نیز از پای ننشست. او واژگان زبان عامیانه را برگزید و با زبانی تند و

صریح به انتقاد از نادرستی‌ها پرداخت. در عین حال، عشقی شیفته نوآوری و مدرنیسم بود. تجربه‌های وی در شعر نقطه آغاز اصلاح ادبی زمان مشروطه به حساب می‌آید. نمایش‌نامه کفن سیاه، که در مورد موقعیت زنان در جامعه سرود، تز انقلاب مشروطه به حساب می‌آید (قائد، ۱۳۹۴: ۱۵).

بدیهی است که ناسیونالیسم زمان مشروطه، پدیده‌ای کاملاً تازه و تحت تأثیر فرهنگ غرب و انقلاب فرانسه است و اندیشمندان ایرانی به آن صبغه ایرانی داده‌اند (جعفری، ۱۳۸۳: ۸۵). عشقی در این باره می‌گوید:

برج ایفل ز صناید گِل و گِل‌وا، گُل بر سر مقبره ناپلئون می‌ریزد
تخت جمشید ز بی‌حسی ما بر سر جم خشت با سرزنش از سقف و ستون می‌ریزد

(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۹۰)

دلبستگی عشقی به وطن به حدی است که بر خلاف برخی از روشنفکران عصر خود، حتی در تجدّدخواهی و نوآوری ادبی، مخالف پیروی بی‌چون‌وچرا از ادبیات غرب است و معتقد است که به هر حال باید «اصالت» و «حرمت» و «حیثیت» ایران حفظ گردد (جعفری، ۱۳۸۳: ۸۱).

در میان روشنفکران و ادیبان ایرانی، کسانی چون عشقی خیزش انقلابی و قهرآمیز مردم را خواستار بودند و قرینه این امر نیز در میان روشنفکران و ادیبان گرد عثمانی، آشکار قابل مشاهده است و نمود آن را نیز در شعر شوقی می‌توان یافت. عشقی با اشاره به ضرورت یک‌پارچگی و اتحاد که از عناصر اصلی هر جنبشی شناخته می‌شود، با دعوت مردم به خیزش در برابر شرایط حاکم بر جامعه، آن‌ها را به یک‌پارچگی فرامی‌خواند و می‌گوید:

این ملک یک انقلاب می‌خواهد و بس خون‌ریزی بی‌حساب می‌خواهد و بس
امروز دگر درخت آزادی ما از خون من و تو آب می‌خواهد و بس

(عشقی، ۱۳۵۷: ۲۶)

شوقی نیز مردم را دعوت به اتحاد می‌کند و می‌گوید: «جمع شوید، چرا که اجتماع نیرو و توان است، پس بر روی زمین شکاف بزرگی حفر کنید.» (شوقی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). و یا در جای دیگری می‌گوید: «ای جوانان! شما صدای اجابت شده‌ای دارید، زمانی که این صدا بالا برده شود، قطعاً مستجاب می‌شود. پس ای جوانان! این تاج و تخت را با پیمان و دعاهایتان تکان دهید تا رنج و عذاب را از خود دور کنید.» (شوقی، ۱۹۲۵: ج ۱، ۲۴۳).

ابوالقاسم لاهوتی، اندیشمند، شاعر، روزنامه‌نگار و از نظامیان سیاستمدار و انقلابی زمان مشروطه بود. وی در شهر کرمانشاه متولد شد. لاهوتی را می‌توان از پیشاهنگان انقلاب مشروطه به حساب آورد (آکوپوف، ۱۳۸۶: ۳۷). به دنبال شکست نیروهای ژاندارم از اسماعیل آقای شکاک (معروف به سمیتقو) در شرفخانه و ناخرسندی افسران ژاندارمری از طرح رضاخان برای ادغام ژاندارمری و نیروهای قزاق، به منظور یک‌پارچه کردن نیروهای مسلح ایران، سبب شد تا شماری از افسران ژاندارم، به رهبری یاور (سرگرد) ابوالقاسم لاهوتی، به فکر کودتا بیفتند. کودتا به «کودتای لاهوتی خان در تبریز» مشهور است. روز ۱۹ بهمن ۱۳۰۰ شمسی، نیروهای ژاندارمری اردبیل بر تبریز مسلط شدند. زمستان ۱۹۲۲ پس از این که شورش لاهوتی در تبریز شکست خورد، وی به همراه چند نفر به شوروی پناهنده شدند (کرونین، ۱۳۸۰: ۲۶۱). شفیع کدکنی بر این باور است که به جز لاهوتی و فرخی، شاعران روشنفکر دوران مشروطه، درک درستی از اندیشه‌های سوسیالیستی نداشتند. او می‌گوید: ابوالقاسم لاهوتی همه عمر آواره زیست که در ستایش این آرزو بتواند شعر بسراید و همه شعرهای او، غیرمستقیم در خدمت این اندیشه است، به جز بعضی عاشقانه‌هایش. عارف و عشقی بدون این که درک درستی از سوسیالیسم داشته باشند، به گونه‌ای احساساتی دم از نوعی مزدکی‌گری و سوسیالیسم می‌زنند. تمایز لاهوتی و فرخی، از دیگر شاعرانی که در این دوره دم از سوسیالیسم زده‌اند، در این است که آن دو شاعر، این مکتب اقتصادی و سیاسی را، تا حدودی، با جزئیات و دقایق درک کرده بودند و دارای نوعی جهان بینی سوسیالیستی بوده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۶).

همچنین در برخی منابع و گزارش‌های دولتی از وی به عنوان یکی از عناصر هرج‌ومرج‌طلب ایرانی که بر ضد نام مقدس و دولت ایران نشریاتی منتشر می‌کند، یاد می‌شد

(بیات، ۱۳۹۳: ۱۰۵). ولی با مشارکت فزایندهٔ او در حیات سیاسی و فرهنگی جمهوری نوپدید و دورافتادهٔ تاجیکستان از سال‌های میانی دههٔ ۱۳۰۰ شمسی به بعد، و به همین نسبت غیبت کاملاً مشخص وی از عرصهٔ فعالیت کمنیست‌های ایرانی در سال‌های مورد بحث، به سختی می‌توان او را شخصیتی یافت با افسانه‌های رایج پیرامون شخصیت انقلابی او.

لاهورتی آیینۀ تمام‌نمای مسائل سیاسی و اجتماعی روزگار خود بوده است، اندیشه‌ها و سروده‌هایش حول دو محور اساسی اجتماعی و سیاسی می‌گردد. دغدغه‌های اصلی او را می‌توان در مشروطه‌خواهی، حمایت از مجلس، دلبستگی و نگرانی نسبت به سرنوشت وطن خویش ایران، ستایش آزادی و انقلاب، مبارزه با استبداد و زورگویی، دفاع از طبقات رنجبر و ستم‌کش، خلاصه کرد (فاضلی، ۱۳۹۳: ۳).

اشعار وطنی‌ای که لاهورتی به زبان کُردی سروده و آن را در روزنامهٔ ترین استانبول چاپ کرده است، ادعای ضدّ ایرانی بودن وی را کاملاً رد می‌کند. لاهورتی در این شعر بر ایرانی بودن کُردها و عشق خود به سرزمینش ایران، تأکید بسیار دارد؛ برای نمونه، این قطعه شعر - که در شمارهٔ ۲۳ روزنامهٔ ترین سال ۱۹۱۹ آن نشریه منتشر شد - قابل توجه است:

خهلّ قی کورد بؤ که سبی شهره ف حازر جه‌نگه
 ئه‌ی میلله ت کورد! ههلّ سه، که ئه‌م نویسته نه‌نگه
 هه‌ر قه‌ومئ که ئه‌س ل و نه‌سه‌بی خؤی نه‌زان ئت
 رووی ره‌وشه‌نی ئه‌ل به‌ته سا وه‌ک شه‌وه‌زه‌نگه
 کوردان که هه‌موویان «مه‌دی» و ئه‌س لی کیان
 له‌م فکره چل و ن غه‌فلّه‌تیا ن کرد، ئه‌مه «ره‌نگه»
 ئه‌ی کوردی بچووکان! هه‌موو تاریخ بخوان
 تا بابی خؤتان زوو بشناسن، که دره‌نگه
 خه‌سمی له‌گه‌ل خاکی وه‌ته‌ن زیلله‌ت و نه‌نگه
 هه‌ر که‌س که ده‌لئ کورد له‌ ئئ ئران لئ جیابوو،
 یا خائینی کوردانه، وه‌یا ش ئت و جه‌فه‌نگه
 کرمانج، ئه‌دی ئیلحاق به‌ ئئ ئران بکه‌ی ئاخر

دهست وهقتی که مولحق وهتهن خواه بوو، قهشه‌نگه
 ئه‌س‌لی مه‌د و ساسانی و، بیگانه له ئه‌ئیران!
 ئه‌م مه‌سه‌ئه‌له که یفیه‌تی تاینه و سه‌نگه
 ری‌گه‌ی ته‌ره‌ب و مه‌یکه‌ده لاهووتی ده‌زان‌ت
 ئه‌م‌ماله فیراقی وه‌ته‌نی هه‌وسه‌له ته‌نگه

(سلطانی، ۲۰۰۶: ۲۶۰)

ترجمه: ای ملتُ کرد! بیدار شوید، این خواب ننگ است، چون کردها همیشه آمادهٔ دفاع از کیان خود بوده‌اند. هر قومی که اصل و نسب خود را نشناسد، روز روشنش شب تاریک خواهد شد. گردان که جملگی متمدن هستند، نباید غافل بنشینند. ای جوانان کرد! تاریخ را مطالعه کنید تا نیاکان خود را بشناسید، دشمنی با خاک وطن ننگ و ذلت است. هر کس که می‌گوید کرد از ایران جداست، یا به کرد خیانت کرده و یا دیوانه است. کرد همیشه خود را ایرانی می‌داند. دستت وقتی در دست وطن خودت باشد زیباست. اصل تو از مادها و ساسانیان و آن‌گه بیگانه با ایران! این چون مثل تقابل آیین و سنگ است. راه خوشی و ذوق و میخانه را لاهوتی خوب بلد است، اما دوری از وطن حوصله‌ای برایش باقی نگذاشته است.

در این شعر، لاهوتی، از حبّ وطن، احترام به آب و خاک و سرزمین آبا و اجدادی خود (ایران) سخن به میان آورده است و خوانندگان خود را برمی‌انگیزد که حرمت وطن و سرزمین نیاکان خود را فراموش نکنند.

یکی دیگر از ترقّی‌خواهان و روشنفکران دوران مشروطهٔ کردستان، مورّخ، ادیب و عالم دینی آیت‌الله مردوخ کردستانی بود. وی در شهر سنندج زاده شد. آشنایی او با زبان‌های عربی و انگلیسی موجب شد تا بتواند با تحولات فرهنگی و اقتصادی آن سده آشنا شود. در سی‌سالگی ماشین چاپی به سنندج وارد کرد و روزنامه *اتحاد* را منتشر کرد. شیخ محمد مردوخ در حوادث مشروطهٔ کردستان و سال‌های پس از آن، نقش مهمی داشت. در انتشار و ترجمهٔ کتاب نیز بسیار فعال بود. مجموع آثار منتشرشدهٔ وی را حدود ۱۱۵ کتاب برشمرده‌اند. مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب وی، کتاب *تاریخ مردوخ* است.

در زمان مشروطه میرزا اسماعیل خان ثقه‌الملک به حکمرانی کُردستان منصوب شد. ثقه‌الملک پس از چندی در ملاقاتی خصوصی، نظر مردوخ را دربارهٔ مشروطیت جویا شد. سپس از وی خواست که طلایه‌دار این حرکت در کُردستان شود. مردوخ به اورامان رفت و به محضر شیخ علی حسام‌الدین نقشبندی- عارف بلند پایه کُردستان- رسید و موافقت وی را برای بسیج مردم سنندج و تشکیل انجمن‌های ملی حامی نهضت مشروطیت جلب کرد (مردوخ، ۱۳۵۷: ۲۳۱). او پس از بازگشت به سنندج، بیانیه‌ای به طرفداری از مشروطیت منتشر کرد و انجمنی موسوم به (انجمن صداقت) به وجود آورد. هم‌چنین چند انجمن دیگر -به نام‌های «حقیقت» و «اخوت» و «صلاحت»- در محله‌های گوناگون سنندج برپا ساخت و اقشار مختلف مردم به این انجمن‌ها پیوستند. پس از سوء قصد به جان محمدعلی شاه در محرم ۱۳۲۶، مردوخ نسبت به مشروطه‌خواهان بدبین شد (حاجی میرزایی، ۱۳۹۷: ۳). در همین روزها ثقه‌الملک از حکومت کُردستان معزول و شاهزاده ظفرالسلطنه جانشین وی شد. دورهٔ موسوم به «استبداد صغیر» آغاز شد. شیخ محمد مردوخ که اوضاع و شرایط سیاسی را نامساعد و وخیم می‌دید، سنندج را به عزم تهران ترک کرد (مردوخ، ۱۳۵۷: ۴۳۲). گفته‌اند بیتی از حافظ را متضمن معنی کسب رخصت دیدار با شیخ فضل‌الله نوری، برای وی مخابره کرد:

عزم دیدار تو دارد جان بر لب آمده بازگردد یا درآید چیست فرمان شما؟

(همان: ۴۳۳)

مردوخ در ادامهٔ فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی خویش در دوّم ذی‌القعدة سال ۱۳۲۷ هجری قمری هیئتی به نام «هیئت ترقی و تهذیب‌الاخلاق» با شرکت متجاوز از دوازده هزار تن از اقشار گوناگون در سنندج تشکیل می‌دهد. از مهم‌ترین اقدامات این هیئت برانگیختن مردم کُردستان در ابراز تنفر از اشغال ایران توسط قوای متجاوز روس و نیز آماده‌سازی و بسیج عموم اهالی کُردستان برای شرکت در جهاد عمومی بوده است.

مردوخ از زمانی که به پیشنهاد ثقه‌الملک، حاکم وقت کُردستان و نمایندهٔ مشروطه‌خواهان، وارد کارزار مشروطیت می‌شود و به تأسیس انجمن «صداقت» و نوشتن

مرام‌نامه آن می‌پردازد تا اتفاقات بعدی و سرکوب مشروطه‌خواهان در کشور و عزیمت به تهران، جهت شرکت در جلسه باغ‌شاه، تلاش می‌کند که عنان از کف نهد و با رعایت حکمت و مصلحت در برابر جریان‌های سیاسی موجود، موضع‌گیری کند؛ به گونه‌ای که خیر و صلاح مردم کردستان را به همراه داشته باشد (حاجی میرزایی، ۱۳۹۷: ۱۲).

وی ضمن تأیید مشروطه، بیان می‌دارد: «تا ملت ایران کاملاً بیدار نشوند و از روی علم و معرفت پی به حقوق و حدود خود نبرند، شایسته مشروطه نیستند.» (مردوخ، ۱۳۵۷: ۴۸۳). هم‌چنین می‌نویسد: «به مجرد گفتن کلمه مشروطه، مملکت مشروطه نمی‌شود و تا اصول و ارکان مشروطیت در کلیه ایالات و ولایات تأسیس و تشکیل نگردد، روح سیال مشروطیت در عروق و اعماق مملکت، حکم‌فرما نخواهد شد.» (همان، ۵۰۳).

در این میان، آنچه جای تأمل است این است که شیخ محمد مردوخ دو مشی متضاد را در پیش گرفته بود. او ابتدا به دفاع از مشروطیت برخاست و چند انجمن مشروطه‌خواه تأسیس کرد؛ اما پس از ظهور دوره استبداد صغیر، نظری دیگر دارد.

یکی دیگر از اندیشمندان طرفدار مشروطه شیخ محمد دولاشی، متخلص به «قانع» بود. او به عنوان یکی از رجال سیاسی آزادی‌خواه کردستان در محافل سیاسی عصر شرکت می‌جست. با مشروطه‌خواهان ایرانی و عثمانی ارتباط گسترده‌ای داشت. مشروطه‌خواهی و ویژگی بارز فعالیت‌های ادبی او است. بیشتر دوران زندگی‌اش را نیز در زندان سپری کرد و تنها جرمش این بود که فریاد آزادی سر می‌داد. قانع از حقوق ملت، حقوق زنان، نابرابری اجتماعی، ظلم و تجاوز حاکمان سخن می‌گفت. در نقد اجتماعی و سیاسی چیره‌دست بود. از مخالفان سر سخت اربابان و مالکان محلی بود. به علوم جدید علاقه داشت و مردم را به کسب علم و معرفت فرامی‌خواند (خزنده‌دار، ۲۰۰۵: ج ۶، ۱۸۰).

وی حکومت قانون و شورایی را تنها راه نجات ملت می‌دانست و تأکید می‌کرد که برای برون‌رفت از خودکامگی پادشاهان، مردم با شرکت در انتخابات، باید خود سرنوشت خود را تعیین کنند. برای نمونه وی در شعری با شور و شوق فراوان مردم را چنین به شرکت در انتخابات تشویق می‌کند:

تینتخاباته عه‌زیزم موسمی ئازادیه
 روژی سه‌ربه‌ستی ولات و به‌زم و جوش و شادیه
 میری جاری دا که ئیتر کوته دیلی لا برا
 گهل به‌مه مه‌سروره، بوچی مافی ئازادی درا
 کاتی ته‌ئمیناتی قانونی ته‌واو ته‌سلیم کرا
 ره‌ی دران و به‌ندی چاودیری له‌سه‌ریان لا برا...

(قانع، ۱۳۹۳: ۴۶۲)

ترجمه: عزیزم روز انتخابات و موسم آزادی فرارسید. امروز روز استقلال وطن و روز جشن و شادی و پایکوبی است. بزرگان جار زدند که دیگر دوران بردگی به سرآمد و مردم از این حکم آزادی خرسندند. امروز دیگر قانون حاکم می‌شود و به مردم اجازه داده می‌شود تا خود سرنوشت خود را تعیین کنند...

حسن سیف‌القضات از خانواده قاضیان مکریان و از رجال سیاسی نیمه اول قرن بیستم کردستان، یکی دیگر از روشنفکران مشروطه‌خواه کردستان است. او نخستین مسئول اداره معارف شهر مهاباد و کاندیدای دوره ششم مجلس شورای ملی بود. سیف‌القضات مسئول کمیته مهاباد جریان شیخ محمد خیابانی بوده است. آرای آزادی‌خواهانه خود را بیشتر در مجله‌های کردستان و مجله *آزادستان* تبریز چاپ می‌کرد (قاضی، ۱۳۷۹: ۲۱۰). او در نوشته‌هایش از بیداری اندیشه‌های اجتماعی سخن به بیان می‌آورد و عدالت اجتماعی را سرلوحه آثارش (که بیشتر جنبه ادبی داشتند) قرار می‌دهد.

ملا محمد کریم شیخ‌الاسلامی (قاضی کوثر) یکی از مشهورترین روشنفکران مشروطه‌خواه کردستان است. او عنوان «شیخ‌الاسلام» شهر سقر را داشت و دارای منصب قضاوت بود. در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه که ناخشنودی مردم از ستم وابستگان حکومت رو به افزایش بود و در زمانی که نوشته‌های اندیشمندانی مانند عبدالرحیم طالبوف، فتحعلی آخوندزاده و سید جمال‌الدین اسدآبادی زمینه‌های مشروطه‌خواهی را فراهم می‌آورد، قاضی در شهر سقر به دنبال آرمان مشروطیت بود. بررسی نامه‌های وی به حکام وقت، همچنین

دست‌نوشته‌ها و اشعارش، که همگی پی‌گیر امور مردم بوده است، نشان می‌دهد که او در گسترش اندیشه آزادی‌خواهی و مخالفت با استبداد، نقش مهمی داشت. به علاوه، قاضی ملامحمدکریم به بازسازی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ایران می‌اندیشید و خواستار رهایی از سلطه خارجی و برقراری امنیت و ثبات سیاسی در کشور بود. در دوره پادشاهی مظفرالدین شاه که قیام ضد استبدادی اوج گرفت، قاضی کوثر رهبری جنبش در شهر سقز را بر عهده گرفت (فاروقی، ۱۳۷۳: ۱۲۳).

قاضی کوثر از ابتدای جریان مشروطه‌خواهی با آزادی‌خواهان همراه و همفکر شد، مردم را در نامه‌های فراخوانده که از مشروطه دفاع کنند، تلاش‌های او موجب شد تا شهر سقز به صورت یکی از شهرهای مشروطه‌خواه کردستان درآمد (سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۴). در نامه پایین مشخص می‌شود که قاضی کوثر چگونه مردم را به مشروطه دعوت کرده است:

بر عموم فرقه اسلام و کافه زمره انام، اظهار و اعلام می‌شود چون بر حسب نیت مقدسه اعلی حضرت شهریاری - خلدالله ملکه - و اقدام غیورانه علمای اعلام و امنای عظام و تجار ذوی الاحترام و سایر اصناف و تمام ملت مرحومه دولت علیه ایران - وفقهم الله الملك العلماء - مجلس دارالشورای مقدسه کبری در دارالخلافة تهران تشکیل و انجمن محترم ایالت ایران تکمیل یافت، این روزها حسب‌الحکم حضرت ایالت جلیله، دست‌خطی از جانب جناب جلالت‌مآب اجل عالی، خان ناظم‌الایاله، حکمران سقز و بانه به عنوان جناب امیرالأمراء العظام خان، مظفرالسلطنه، حاکم سقز با نظام‌نامه دولتی، شرف صدور یافتند که ملت سقز نیز موافق دستورالعمل نظام‌نامه به انتخاب اعضا مشغول و تشکیل مجلس معمول و یک نفر وکیل منتخب و به کرسی ایالت مرسل شود...

تحریر فی ۱۴ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۲۵ هـ ق (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۵: ۳۱۱).

نتیجه‌گیری

روشنفکران در جریان انقلاب مشروطه، چه در کشور ایران و چه در کشور عثمانی، نقش پررنگی داشته‌اند. آنان با اندیشه‌های خود توانستند زمینه‌ساز اصلی وقوع انقلاب مشروطه و استقرار آن باشند. در این میان تعدادی از روشنفکران و ادیبان کرد نیز پایه‌پای همفکران

خود در این دو کشور، در جهت استقرار نظام مشروطه، نهایت تلاش خود را به کار بسته‌اند. روشنفکران کُرد در دوران مشروطه عثمانی دو دسته هستند: برخی از آنان، مانند احمد شوقی و جمیل صدقی زهاوی که خود از پایه‌گذاران ادبیات نوین در کشور عثمانی محسوب می‌شوند، آرمانی مشابه آرمان دیگر روشنفکران غیرکُرد را دنبال می‌کردند و اندیشه‌های خود را در قالب زبان و ادبیات عرب به مخاطبان خود اعلام می‌کردند و توجه چندانی به کُردستان نداشتند. برخی دیگر مانند حاجی قادر کویی، پیرمرد و امین زکی‌بگ، دیدگاه متفاوت‌تری داشتند، آنان هیچ تعلق خاطری به کشور عثمانی نداشتند و نقدهای سیاسی و اجتماعی و دغدغه‌های قوم‌گرایانه و استقلال‌طلبانه خود را در قالب زبان کُردی بیان کرده‌اند؛ اما بیشتر روشنفکران و ادیبان کُرد در کُردستان ایران، مانند میرزاده عشقی، ابوالقاسم لاهوتی، آیت‌الله مردوخ کُردستانی و قاضی کوثر در کنار مضامینی چون آزادی و قانون‌گرایی بر ملی‌گرایی ایرانی تأکید داشتند و در بیان اندیشه‌های خود و دفاع از مشروطه، از زبان فارسی بهره گرفته‌اند. با این تفاوت که برخی از آنان مانند عشقی و لاهوتی در گستره جغرافیایی ایران، فعالیت مشروطه‌خواهانه خود را دنبال می‌کردند و توانستند در تاریخ انقلاب مشروطه ایرانی جایگاه ویژه‌ای برای خود بیابند. دامنه فعالیت دیگر روشنفکران کُرد، محدوده جغرافیایی کُردستان ایران را در بر گرفته است.

لازم به ذکر است چه در مشروطه ایرانی و چه در مشروطه عثمانی، روشنفکران و ادیبان (کُرد و غیرکُرد) در نظام سیاسی حاکم، جایگاه و منزلتی که درخور و شایسته آن‌ها باشد، نیافتند؛ برای مثال، میرزاده عشقی ترور می‌شود و لاهوتی پس از کودتای لاهوتی‌خان تبریز، برای همیشه ایران را ترک می‌کند. در مشروطه عثمانی نیز وضع بر همین منوال پیش می‌رفت. حکومت عثمانی به سبب آزادفکری و پیشگامی در اقدامات مترقیانه به زهاوی سوءظن داشت و زندگی وی را به پریشانی کشاند. به هر روی، آنچه مشخص است این است که در تأثیر و تأثری متقابل، به همان اندازه که روشنفکران بر جریان مشروطه‌خواهی تأثیر گذاشته‌اند، جنبش مشروطه نیز اندیشه روشنفکران را تحت تأثیر خود قرار داده است.

منابع

کتابها

- آربین پور، یحیی (۱۳۸۲)، *از نیما تا روزگار ما*، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران، زوار.
- آکوف، گ. ب. (۱۳۸۶)، *گردان گوران*، ترجمه سیروس ایزدی، چاپ اول، تهران، زوار.
- آلاکوم، رها (۲۰۰۵)، *گردهای استانبول*، ترجمه احمد تاقانه، اربیل، مکریانی.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۲)، *دین و دولت و تجدید در ترکیه*، تهران، هرمس.
- بیات، کاوه (۱۳۷۶)، *کودتای لاهوتی*، تهران، شیرازه.
- خال، محمد و آشنا، امید (۲۰۰۳)، *دیوانی تسیخ رضا طالبانی*، اربیل، آراس.
- خزنه‌دار، معروف (۲۰۰۵)، *میژووی ادبی کوردی*، اربیل، آراس.
- روحانی، بابامردوخ (۱۳۸۲)، *تاریخ مشاهیر کرد*، تهران، سروش.
- زکی‌بگ، محمدمین (۱۳۸۳)، *زبده تاریخ کرد و کردستان*، ترجمه یدالله روشن اردلان، تهران، توس.
- زیات، احمدحسن (۱۹۵۲)، *وحی الرساله*، بیروت، مطبعة الرساله.
- سجادی، سید علاء‌الدین (۱۳۸۱)، *تاریخ جنبش‌های کوردی*، چاپ اول، سنندج، کردستان.
- سلطانی، انور (۲۰۰۶)، *لاهورتی کرمانشانی، شاعری شورشگیری کورد*، سلیمانیه، بنکه‌ی ژین.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۲)، *حدیقه سلطانی*، تهران، سها.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، تهران، اختران.
- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *با چراغ و آینه*، چاپ اول، تهران، سخن.
- شوقی، احمد (۱۹۲۵)، *شوقیات*، قاهره، بی‌نا.
- شیخ‌الاسلامی، محمدکریم (۱۳۹۵)، *گوهری در خنزف*، به کوشش گلاویژ شیخ‌الاسلامی و بهروز شیخ‌الاسلامی، تهران، آرمان‌نگار.

- صدقی‌الزهاوی، جمیل (۱۹۲۸)، *دیوان شعر*، بغداد، اللباب.
- صدقی‌الزهاوی، جمیل (۱۹۷۹)، *دیوان صدقی‌الزهاوی*، الطبعة الثانية، بیروت، دارالعودة.
- عشقی، میرزاده (۱۳۵۷)، *کلیات مصور میرزاده عشقی*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- الفاخوری، حنا (۱۳۹۲)، *تاریخ الأدب العربی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، توس.
- فاروقی، عمر، (۱۳۷۳)، *نظری به تاریخ و فرهنگ سقز، سقر، سقر*.
- قاضی، خلیل فتاح (۱۳۷۹)، *تاریخچه خانواده قاضی در ولایت مکری*، مهاباد، قاضی.
- قاضی، سیف‌القضات (۱۳۶۰)، *دیوان شعر*، گردآوری احمدقاضی، مهاباد.
- قانع، محمد (۱۳۹۳)، *دیوان قانع*، سنندج، چاپ دالاهو.
- قائد، محمد (۱۳۹۴)، *عشقی، سیمای نجیب یک آثارسیست*، چاپ سوم، تهران، نشر ماهی.
- کسروی، احمد (۱۳۸۰)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، صدای معاصر.
- کوبی، حاجی قادر (۱۳۹۰)، *دیوان شعر*، چاپ اول، سنندج، کردستان.
- لوئیس، برنارد (۱۳۷۲)، *ظهور ترکیه نوین*، ترجمه علی سبحانی، تهران، مترجم.
- روبینکو، م. ب. (۱۹۵۱)، *ادبیات کردی در نیمه دوم قرن نوزدهم*، مصر، دارالمعارف.
- محمودی، اسماعیل (۲۰۲۰)، *روشنفکران کرد در مکتب استانبول*، سلیمانیه، جمال عرفان.
- مردوخ، محمد (۱۳۵۷)، *تاریخ مردوخ*، سنندج، غریقی.
- ولی، عباس (۱۳۹۸)، *گفتارهای در خاستگاه ناسیونالیزم کردی*، ترجمه مراد روحی، تهران، چشمه.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳)، *موج سوم دمکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران، روزنه.

مقاله‌ها

- امین مقدسی، ابوالحسن، «بررسی تطبیقی جلوه‌های ملی‌گرایی در شعر شوقی و بهار»، *ادبیات پاریسی معاصر*، شماره ۲ (پیاپی ۱۰)، ۱۳۹۳.
- بصیری، محمدصادق و نورمحمدی، راضیه، «استثمارستیزی در شعر بهار و صدقی زهاوی»، *لسان‌المبین*، شماره ۶، ۱۳۹۰.
- پیرمردیان، حمیدرضا؛ آبدانان مهدیزاده، محمود؛ کریمی فرد، غلامرضا، «واکای شخصیت مجنون در نمایش‌نامه (مجنون و لیلی) اثر احمد شوقی»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، شماره ۱۳، ۱۳۹۳.
- جعفری، مسعود، «میرزاده عشقی و رمانتیسیم انقلابی»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم (خوارزمی)*، شماره‌های ۴۷ و ۴۹، (۱۳۸۳ و ۱۳۸۴).
- حاجی‌میرزایی، فرزاد (۱۳۹۷)، «نگرشی نو به آرای کلامی و فلسفی آیت‌الله مردوخ»، *سایت رسمی جماعت و اصلاح*.
- حضرتی، حسن، «مشروطه عثمانی در سه روایت»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۳۷، مهر ۱۳۸۸.
- زاهدی، محمدجواد؛ حیدرپور، محمد، «جامعه‌شناسی انزوای روشنفکران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱-۲، ۱۳۸۷.
- زرینه‌باف، فریبا، «متجددین بدون مرز: از استانبول تا تبریز» ترجمه سامان صفرزایی، نشریه الکترونیکی *تاریخ ایرانی*، ۱۳۹۶.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، «زمینه اجتماعی شعر فارسی»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
- فاضلی، احسان و تسلیمی، صفا، «بررسی مضامین مشترک سیاسی و اجتماعی در اشعار ابوالقاسم لاهوتی و فرخی یزدی»، *اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم*، علی‌آباد، بی‌نا، ۱۳۹۳.
- کرونین، استفانی، «ژاندارمری دولتی و جنگ بزرگ در ایران، و جنگ جهانی اول»، *مجموعه مقالات سمینار وزارت امور خارجه*، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

- کلهر، محمد، «مشروطه و بحران سیاسی کردستان»، *زمانه*، شماره ۴۷، ۱۳۸۵.
- گنجیان خناری، علی (۱۳۹۵)، «ادبیات اعتراض در شعر جمیل صدقی زهاوی و ابوالقاسم لاهوتی»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، شماره ۲۲، ۱۳۹۵.
- گنجیان خناری، علی، «ملامح الثورة و المقاومة فی شعر ابوالقاسم لاهوتی»، *اضاءات نقدیه فی الادبیین العربی و الفارسی*، شماره ۲۵، ۱۳۹۶.
- محسنی‌نیا، ناصر، «جمیل صدقی زهاوی و ادبیات فارسی»، *پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، ۱۳۸۹.
- محمدرضایی، علیرضا؛ حسینی، سیده سکینه، «مطالعه نشانه‌شناسانه اشعار وطنی شوقیات»، *زبان و ادبیات عربی*، شماره ۲۰، ۱۳۹۸.
- مسبوق، سیدمهدی، «میهن‌دوستی در شعر ملک‌الشعرای بهار و جمیل صدقی زهاوی»، *نقد و ادبیات تطبیقی*، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- ناظری، حسین (۱۳۹۰)، «آسیب‌های اجتماعی از دیدگاه جمیل صدقی زهاوی»، *نقد ادب معاصر عربی*، شماره ۱، ۱۳۹۰.